

شبی در انجمن قلم

(بیادبود استاد سخن و حید دستگردی)

در این روزگار که سنتها پی در پی شکسته میشود و قدرت علم و تکنیک بشر را بر بالهای خود نشانده و باسرعتی حیرت انگیز بسوی آیندای نامعلوم پیش میبرد و تمام افکار بشر متوجه مظاهر تمدن و اقتصاد و پدیدهها و رویدادهای جهان امروز است و میرود که گذشته و گذشتگان را که پایه گذار چنین تمدن و فرهنگی هستند در زیر غبار فراموشی دفن کند آری: در چنین غوغائی باز مردم صاحب دل و اندیشمند هستند که از فکر خدمتگزاران سابق و لاحق زبان و ادب پارسی غافل نبوده و بیادآوری نام و آثار آنان میخواهند تا اندازه ای دین خود را بار و اح پاک آن را در مردان ادا نمایند .

روزیکشنبه ۵ بهمن ماه در انجمن قلم عده زیادی از دانشمندان و اساتید و شعرا و رجال گردهم جمع آمده بودند تا خاطره مردی وارسته و عالم و شاعر را در خاطر دهان زنده کنند و باز کر خدمات ارزنده آن بزرگ مرد فاضل و سخنور استاد روح بلند پروازش را خرسند و شادان سازند.

در ابتدای جلسه فاضل ارجمند آقای رضوی شیرازی از طرف انجمن قلم بحضار خیر مقدم گفتند و تشکیل چنین اجتماعات و محافلی را برای بزرگداشت مردان دانشمند و خدمتگزار بعالم علم و ادب عملی شایسته و برجسته خواندند و بیاناتی درباره خدمات ادبی مرحوم استاد و حید بیان داشتند که بسیار مورد توجه قرار گرفت سپس آقای محمد علی نجاتی ادیب و شاعر گرانمایه معاصر چکامه غزائی را که در باره مجله ارمغان و انجمن ادبی حکیم نظامی سروده بودند قرائت کردند که بی نهایت مورد توجه واقع شد (این چکامه در پایان مقاله بچاپ رسیده است.)

پس آقای کمال زین الدین رئیس انجمن ادبی کمال شرح حال استاد و مجله ارمغان و انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکم نظامی را با مقدمه‌ای ادیبانه بدین شرح آغاز نمودند.

جای آن بودی که من در بزم ارباب قلم

پای تا سر گوش گردم راز حکمت بشنوم

همچنان حجاج طوف کعبه اشراق را

چون غبار راه گه با پا و گه با سر روم

حال درس خویشتن پس می‌دهم استاد را

گر قبول افتد کمین شاگرد این مکتب شوم

در محضر ارباب قلم و سخن باید خاموش نشست و از سخنوران سخن آموخت

که گفته‌اند :

کودک اول چون بزاید شیرنوش مدتی خامش بود، از جمله گوش

مدتی میبایدش لب دوختن از سخنگویان سخن آموختن

ولی گه‌گاه پیش می‌آید که بنوا آموزان مکتب شعر و ادب وظیفه‌ای محول میشود

که باید امتثال امر کنند و در انجام وظیفه بکوشند که حرف شنیدن ادب است .

در میان طبقات اجتماع یک طبقه بیش از سایر طبقات است که میل دارد مورد

عنایت و توجه هموعان خود قرار گیرد و خود نیز بجلب محبت دیگران بسیار پای بند

است. این طبقه همان ادبا و شعرا و مردم فاضل هستند چون تارهای قلب این افراد در

مقابل رویدادهای زندگی چه خوب و چه بد حساستر از سایرین است و با هر زخمه‌ملازم

طنین نوای آن شورانگیز تر و دلنواز تر میشود.

بدینجهت روح حساس شاعر و ادیب و دانشمند بشویق و تسلیت و نوازش بیشتر

احتیاج دارد و اگر این طبقه از عنایت و توجه دیگران و جلب عواطف خاصه محروم

بمانند خواه و ناخواه گلستان طبعشان پژمرده میشود و نتیجه این پژمردگی شکست در

بازار ادب و هنر و معنویات است.

پس باید آنرا که هنر و دانش و ادبی دارد بنوازیم و ستایشگرش باشیم و آنرا که کمال و فضیلت و علمی هست معزز و محترم بشماریم.

تشکیل این قبیل اجتماعات بر مبنای همین نیازها و تمایلات اهل و ادب قرار گرفته است و انجمن قلم هم این مجلس را بمناسبت بزرگداشت و تشویق از بنیان گذار مجله که هشتاد و هشت سال ارمغان و انجمن های ادبی ایران و حکیم نظامی که واقعا از نامدارترین سخنوران و محققان ادب معاصر فارسی بشمار میرود برپا داشته است.

در ملاقاتهایی که با جناب آقای وحیدزاده (نسیم) فرزند دانشمند و شاعر و مرحوم استاد نمودم ایشان شمه ای از تاسیس انجمن و انتشار مجله ارمغان بیان داشتند که صمیمانه از این فرزند خنث که در نگهداری میراث ارزنده پدر کوشش فراوان معمول داشته تشکر میکنم و باصل موضوع میپردازم.

انجمن های ادبی ایران و حکیم نظامی - مجله ادبی ارمغان

استاد دانشمند فقید وحید دستگردی در حدود سال ۱۳۳۶ هجری قمری پس از پایان جنگ بین الملل اول بعللی که در کتابهای تذکره و مجله ارمغان و دیگر مطبوعات ذکر آن آمده از اصفهان بطهران رحل اقامت افکند و تا پایان عمر این شهر را مرکز فعالیت های خستگی ناپزیر ادبی خویش قرارداد.

وی که در راه اعتلاء و بزرگداشت زبان و ادبیات فارسی از هر مشغله دیگری گریزان و جز انجام خدمات ارزنده ادبی شوری در سر نداشت برای نخستین بار در ماه آبان ۱۲۹۸ انجمن ادبی ایران را در خانه اجاری مسکونی خویش واقع در خیابان ناصر خسرو کوچه خدا بنده لوها با شرکت عده ای از اساتید شعر و ادب آن زمان تشکیل داد.

بموازات تأسیس این انجمن که درحقیقت نخستین محفل ادبی واقعی بود که تا آن زمان در طهران تشکیل یافته و توجه ادباء و شعرای دور و نزدیک را بخود جلب نموده بود مؤسس سخن سنج آن مجله ادبی ارمغان را نیز در بهمن ماه ۱۲۹۸ شمسی منتشر ساخت تا اهل ذوق و هنر با سانی بتوانند با آثار نظم و نثر و تحقیقات ادبی و تاریخی فضاء و شعرای انجمن دسترسی یابند.

در سال ۱۳۰۸ بنا بر پیشنهاد چند تن از اعضاء و موافقت وحید رئیس انجمن بمنظور توسعه بیشتر انجمن تصمیم گرفته شد جلسات هفتگی آن در یکی از سالنهای وزارت معارف (آموزش و پرورش فعلی) تشکیل گردد، این تصمیم عملی گردید اما پس از چندی چون انجمن از راه و روش اصلی خویش منحرف شد لاجرم وحید از آن کناره گیری نموده و بتأسیس انجمن دیگری بنام انجمن ادبی حکیم نظامی پرداخت . در این انجمن بود که وحید موفق بانجام آمال و آرزوهای دیرین خود گردید و متجاوز از چهل اثر استادان نظم و نثر فارسی را تصحیح و تحشیه و مقابله و چاپ نموده بدوستان فضل و ادب ارزانی داشت .

تأسیس انجمن ادبی حکیم نظامی

نخستین جلسه این انجمن که بدون تردید یکی از پر برکتترین انجمنهای ادبی ایران است در یکی از روزهای چهارشنبه بهمن ماه ۱۳۰۹ در منزل جدید استاد واقع در خیابان ایران (عین الدوله سابق) کوچه روحی با حضور چند تن از افاضل شعر و ادب معاصر تشکیل و تحت ارشاد و راهنمایی وی از روی صمیمیت و علاقه خاصی انجام کارهای بزرگ ادبی را آغاز نمود.

اعضای اولیه انجمن را که اکنون اکثراً روی در نقاب خاک کشیده اند فضاء و شعرای زیر تشکیل میدادند :

میرزا رضاخان نائینی، میرزا احمدخان اشتری، ایرج میرزا، تقی بینش، ادیب السلطنه سمیعی، عبرت نائینی، صبوری اصفهانی، سعید نفیسی، رشید یاسمی، احمد بهمنیار، قویم الدوله، صادق انصاری، صابرهمدانی، رهی معیری، فرات، پرتو بیضائی، قائم مقامی، حسین مسرور و عده‌ای دیگر.

از کسانی که در قید حیات هستند و از همان سالهای اولیه یا بعداً بصف انجمن پیوستند بعضی مرتباً و عده‌ای دیگر گاه و بیگاه حضور مییافتند و خوشبختانه هم‌اکنون تنی چند از اساتید آنان در این جلسه حضور دارند.

روش و شیوه کار انجمن

روش و طرز کار انجمن معمولاً طوری بود که کمتر اوقات آن بیهوده صرف میگردید و چون کلاس درسی تمام ساعات آن صرف تصحیح و مقابله آثار اساتید نظم و نثر و تفسیر و تشریح مباحث ادبی و تاریخی میگردید و هر کس مطابق ذوق و استعداد خویش از حضور در جلسه مستفید و بهره‌مند میگردید.

مشهورترین سرایندگان و فضیای چهل سال اخیر غالباً کسانی بودند که حضور در این انجمن را درک کرده و از نتایج ثمر بخش آن توشه‌ای اندوخته بودند، چنانکه هم‌اکنون بهترین سرایندگان و نقادان شعر و ادب معاصر تربیت یافتگان این انجمن میباشند. طرز تشکیل و روش کار انجمن معمولاً بدین ترتیب بود که روزهای چهارشنبه از ساعت چهار تا پنج بعد از ظهر کلیه اعضایی که هیچوقت از حضور در انجمن غیبت نمیکردند با شوق و علاقه فراوان حاضر میشدند و از ساعت پنج و ربع تا پنج و نیم کار انجمن آغاز و تا حدود ساعت نه و نیم الی ده بدون وقفه ادامه مییافت.

تمام ساعات و دقائق انجمن صرف کارهای مثبت و اساسی از قبیل تصحیح و مقابله و تحشیه و تفسیر آثار بزرگان نظم و نثر و تجزیه و تحلیل مباحث ادبی و علمی و یا تصحیح

و اظهار نظر در اشعار و نوشته‌های اعضاء انجمن می‌گردید .

شیوه عمل بیشتر اوقات بویژه در مواقع تصحیح و مقابله چنین بود که همه حاضرین در اطاقی که مخصوص انجمن بود بر روی زمین که از قالی مفروش بود بصورت دایره مانند در مقابل رئیس انجمن استاد وحید که در صدر مجلس جلوس کرده بود می‌نشستند آنگاه دیوان یا کتابی را که در دست تصحیح بود و قبلاً بیست تاسی نسخه کهنسال از آن تهیه شده بود در بین اعضاء تقسیم می‌گردید .

رونویسی قبلاً از روی اصح و اقدم نسخ انجام می‌یافت و از یکپخته قبل تعداد ایباتی که باید مقابله گردد بدقت مورد مطالعه و تتبع استاد قرار میگرفت سپس هنگام مقابله خود بیت به بیت آنرا قرائت مینمود و در موارد اختلاف نسخ از لحاظ تحریف کلمات و اغلاط و اشعار الحاقی پس از توضیح معنی و تفسیر لازم اصح را در متن و صحیح را نسخه بدل و ایبات الحاقی را جدا از متن قرار میداد .

کتابهایی که در انجمن حکیم نظامی تصحیح و تحشیه گردیده

وحید دستگردی در مدت ۶۳ سال عمر و ۴۰ سال فعالیت‌های طاقت فرسای ادبی علاوه بر انتشار مرتب مجله ادبی ارمغان موفق به تصنیف و تألیف و تصحیح متجاوز از ۴۰ اثر نفیس فارسی گردید که مورد استفاده اهل فضل و هنر و دانش پژوهان دور و نزدیک میباشد .

از میان کتب و آثار مذکور قسمتی را که استاد در انجمن حکیم نظامی تصحیح و تنقیح و تحشیه نموده باید خمسه حکیم بزرگ نظامی گنجوی ، دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی ، دیوان عبیدزاکانی ، رسائل خواجه عبدالله انصاری ، دیوان باباطاهر و چند اثر دیگر را نام برد که با چاپهای مکرر از دیرباز همواره مورد استفاده دوستداران سخن و ادب فارسی بوده است .

در تصحیح و تنقیح و تشریح سبعة نظامی که شهرت جهانی یافته علاوه بر مطالعات چندین ساله قبلی متجاوز از ۱۰ سال صرف وقت نمود تا با رزوی دیرین که همانا پیراستن این اثر جاودانی از اغلاط و تحریفات و اشعار الحاقی و تشریح اشعار مشکل و چاپ و انتشار آن باشد نائل آمد چنانکه خود در مقدمه مخزن الاسرار نگاشته : «در هیچ دیوان و دفترى با اندازه دیوان نظامی غلط و سقط و تحریف راه نیافته زیرا هیچ دیوانی در قدیم باین اندازه استنساخ نشده و هیچ دفترى باین درجه مطبوع عامد و بیش از گنجایش فکر عامه نبوده است .

نسخ خطی تا ۷۰۰ هجری در هر صفحه تقریباً ده پانزده غلط و نسخ دوره ۹۰۰ و ۱۰۰۰ در هر صفحه سی چهار و بعد از هزار هر صفحه هفتاد هشتاد و در نسخ چاپی هر صفحه تقریباً صد غلط و اشتباه دارد و البته هر کتابی که بدین صورت در آمد صورت اولیه و حقیقت خود را از دست داده و قابل خواندن و استفاده نخواهد بود پس تنها نسخه صحیح قابل استفاده امروز در تمام جهان همین نسخه مصحح ماست و هر نسخه چاپی و قلمی دیگر خواندن و استفاده کامل را بکار نمی آید.»

در دیماه سال ۱۳۲۱ شمسی استاد پس از عمری کوشش و کار مداوم در راه اعتلاء و اشاعه زبان و ادبیات که تا آخرین دقائق حیات وی را بخود مشغول میداشت نیرو و توانش رو بضعف نهاده با عارضه مختصری رخت از این سرای بر بست و عالم شعر و ادب را سوگوار ساخت ،

در گذشت و حید دستگردی اگر چه ضربت جبران ناپذیری بود که بر پیکر زبان و سخن شیرین فارسی وارد آمد ولی جای خرسندی است که شمع فروزان شعر و ادبی که وی بر افروخته و اشعه درخشانش سراسر ایران و کشورهای فارسی زبان را فرا گرفته یکباره خاموش نگردد بلکه بوسیله فرزند دانشمندش آقای وحیدزاده (نسیم) همچنان فروزنده و اثر بخش برجای مانده است .

چنانکه انجمن ادبی حکیم نظامی بهمت و کوشش وی با همان سبک و روش دیرین کارهای ادبی را دنبال میکند و مجله ارمغان با پیروی از راه و رسم دیرین بخدمات ادبی خود ادامه میدهد و با انجام کارهای سودمند دیگر علمی و ادبی محفل شعر و ادب را رونقی بسزا بخشیده است و اینک با قرائت غزلی از استاد بسخن خود پایان میدهم .

پس از ایشان شاعر و دانشمند ارجمند آقای پثرمان بختیاری در ضمن تحسین و تعریف از سبک و روش فعلی ارمغان ترکیب بلند و سوزناکی را که در رثاء استاد ساخته بودند با ذکر خاطره‌ای از آن مرحوم قرائت نمودند که فوق العاده مورد توجه واقع گردید . (این ترکیب بند پس از فوت استاد ساخته شده و در سالهای پیش در ارمغان بچاپ رسیده است .)

بعداً ادیب و شاعر نوانا آقای وحیدزاده (نسیم) پشت‌میز خطابه قرار گرفتند و چنین اظهار داشتند :

بنده از طرف خود و شعرا و فضلاء انجمن ادبی حکیم نظامی از اساتید معظم و سروران محترمی که بمنظور تجلیل و سپاس از خدمات پرازش یکی از خدمتگزاران نامی سخن و ادب معاصر مرحوم وحید دستگردی در این جلسه باشکوه شرکت جسته‌اند سپاسگزاری و تشکر مینمایم .

همچنین از توجهات استاد فرزانه جناب آقای زین العابدین رهنما که این محفل ادب بانظر صائب ایشان تشکیل گردیده و گویندگان و سرایندگان که در این باره مطالبی بیان داشتند بسی ممنون و شکرگذار میباشم .

خوشبختانه آنچه را که دانشمند استاد وحید دستگردی در زمان حیات چون مجله ارمغان و انجمن حکیم نظامی سخت گرامی میداشت همچنان با انجام خدمات ادبی مشغول و بعلاوه نشریه‌ها و مجامع دیگری چون مجله وزین وحید و انجمن ادبی وحید

که منسوب باستاد میباشد در این خدمتگزاری نیز شریک و سهیم میباشد .
در بیست و اندی سال قبل گوئی استاد را الهام شده بود که روزی چنین جلسهای
در انجمن قلم برپا میگردد زیرا در همان ایام قطعه‌های شیوا خطاب به آقای رهنما ساخت که
در دفتر سخن فارسی برای همیشه بیادگار خواهد ماند . اینک آن قطعه :

خیر مقدم ای سلیل علم و فرزند آدها

ای کیاست را نشان وی در سیاست رهنما

دستیار حکمت و عرفان پدر اندر پدر

پاسبان شرع پیغمبر نیا اندر نیا

ای مدیر نامه نام آور ایران که هست

رُشخ مُشکین نامهات بر چشم دانش توتیا

ای نقوش نامهات ارزنگ مانی را دلیل

وی صریر خامهات چنگ نکیسار گوا

چندی از مہجور گردیدی ز معشوق وطن

عشق را هجر است در پی هجر را وصل از قفا

گر شدی از خانمان و دوستان ده سال دور

ور شدت هستی بدست غارت دشمن هبنا

شکر یزدان را که اینک در وطن باز آمدی

در سیاست حکمران بر معرفت فرمانروا

فکرهای بکر همراهت گروه اندر گروه

نغمه‌های نغز در چنگت نوا اندر نوا

نامه ایران گرایان شد بسویت بیدرنگ

خامه بهر دست بوست ساخت از یکسر دوپا

ره سپرد این نامه شیوا بیال فکر تو
 تا بدان سوی ثریا باز از تحت‌الثری
 گشت طی دوران دم سریدی اندر بوستان
 فرودین آمد بیاغ و راغ شد نزهت فزرا
 باش تاگل بشکفد بلبل کشد از دل خروش
 طی شود غم دوره شادی برانگیزد آصلا
 نامه ایران کشد ایران زمین را زیر پر
 ملک را سازد سعادت یار چون بال هما
 زنده جاوید بادا کشور ایران زمین
 وانکه اندر راه ایران کرد مال و جان فدا
 در سیاست رهنما بادا همیشه راهبر
 راهبر اندر سیاست بادا دایم رهنما



بعداً آقای رستمی هنرمند جوان با آهنگی خوش غزلی از مرحوم وحید را
 خواند و سپس خانم فروزنده از بانی که در آغاز جلسه هم برنامه جشن را بسمع حضار
 رسانیده بود یک غزل و یک قطعه از اشعار استاد را با بیانی رسا قرائت نمود که مورد توجه
 واقع شد.

آنگاه فاضل مقدم جناب آقای زین العابدین رهنما دبیر کل محترم انجمن قلم
 پشت تریبون قرار گرفتند و مطالبی بدین شرح اظهار داشتند.

یادآوری شما مردم صاحب‌دل از کسانی که بادب و فرهنگ این مرز و بوم خدمات
 ارزنده‌ای نموده‌اند باعث امیدواری است تا درخت زبان پارسی را از شته‌زدگی و پتر مردگی
 در امان بدارد چون اینروزها بعضی از شاخه‌های این درخت تنومند دچار شته‌زدگی

شده است و شما مردم دانشمند و علاقمند بشادابی ادب و زبان پارسی باید با توجه و سمپاشی خود این نهال کهنسال را از ضایعات و فساد درامان بدارید .
این مجلس بیاد بود مردی که عمری را در راه خدمت بزبان و ادبیات فارسی صرف نموده است تشکیل شده و اولین وظیفه هر شاعر و استادی قدردانی و بزرگداشت بزرگان ادب و سخن فارسی است .

من از يك يك كسانیکه در این جلسه با سخن و شعر خود یادی از مرحوم استاد بزرگ و حید دستگردی نموده اند تشکر میکنم و از اینکه آن مرحوم برای من شعری ساخته بود و من آنرا بیادنداشتم و شاعر دانشمند آقای وحیدزاده نسیم آنرا برایم خواندند شرمنده هستم موفقیت ایشان را خواستار میباشم .
پس از بیانات جناب آقای رهنما آقای عندلیب زاده با صدای گرم اشعاری را خواندند و جلسه یادبود در ساعت ۸ بعد از ظهر به پایان رسید .

لطیفه

بیهنران هنرمندان را نتوانند دید همچنانکد سگان بازاری سگ
صید بینند مشغله بردارند و پیش آمدن نیارند یعنی سفله چون بهنر با کسی
بر نیاید نعیبتش در پوستین آفتد . *انسانی و مطالعات فرهنگی*
کندهر آینه غیبت حسود کونه دست *شعر*
اگر جور شکم نبودی هیچ مرغی در دام صیاد نیفتادی بلکه صیاد
خود دام نهادهی .

تنبیه

حکیمان دیردیر خوردند و عبّاد نیم سیر و زهاد سدّ رمق و پیران
تا عرق کنند و جوانان تا طبق بردارند اما قلندران چندان که ندرم معده
جای نفس ماند نه در سفره روزی کس .

(سعدی)

(بمناسبت پنجاه و یکمین سال انتشار مجله ارمغان)

چکامه شیوای زیر سروده استاد سخن سنج آقای محمد علی نجاتی است که با قرائت آن شور و هیجان خاصی بمجلس بخشیدند.

بزرگی بخردی روشروان بود	که گلزار ادب را باغبان بود
ز گوه‌رهای شاداب فضیلت	دلش مائا محیطی بیکران بود
ز بس پرتو فشان از اختر فضل	زمین معرفت را آسمان بود
سخن را اوستادی جامه پرداز:	ادب را راهنمایی نکته دان بود
ببازار هنر با هایه علم	متاع فضل را بازارگان بود
ببشر دانش و ترویج فرهنگ	بیای استاده بر بسته میان بود
بلطف طبع و زیبایی گفتار	جهانی بود واز نصف جهان بود
گل سیراب معنی را بیانش	روان‌پرورتر از آب روان بود
ز دانش گلشنی زیبا بنا کرد	که دلکش‌تر ز فردوس چنان بود
در آن آورد و بنشانند و بپرورد	بهر جای از گلی زیبا نشان بود
طربرا لاله‌اش با جام گلرنگ	سخنگو سوسنش باده زبان بود
هوای خرمش آرامش کادل	بمطالعه انسانی و مطالعات نسیم دلنوازش عطر جان بود
نهالش بی‌زیان از آفت	بهارش ایمن از جور خزان بود
زهر برگی نوایی ساز کرده	بهر گلبن هزارش زند خوان بود
و حیدخوش سخن آن گلشن آرای	مر آن گلگشت را نام ارمغان بود
کنون بگذشته پنجاه سال و آن باغ	چنان باشد کز آغاز آن چنان بود
گرش بینی بدل گویی همانست	که روشن شمع بزم دوستان بود
بهر محفل کلامش محفل آرای	بهر مجلس حدیثش در میان بود
بهر جا نغز گویی شکر افشان	بشیرین داستانش تر زبان بود

بلی با سعی چونان اوستادی چنین خوش نقش و زیبا میتوان بود
 بشیریک دوام نیم قدرنش زمن این چامه خواهد ترجمان بود
 همیخواهم کزین پس قرنهای نیز
 تواند پایدار و جاودان بود

کاسم رجوی (ایزد)

انجمن ادبی حکیم نظامی

معمای فضا

یارب، این نقطه‌های نورانی، چیست براین سپهر مینائی؟!
 چیست این رمزهای پنهانی برچنین لوحه معمائی؟!
 * * *

گوئیا، پشت این نقاط سپید، حرفهائی سیاه پنهان است!
 هرکه آن حرفها تواند دید، آگه از رازهای کیهان است.
 * * *

لیک، آوخ که آن حروف سیاه، روی لوح کبود، خوانا نیست!
 تا، سیه لوحه شد سپید، آنگاه، نقطه و حرف، هیچ پیدا نیست!
 * * *

همچنان کاندترین شب مهتاب، کاسمان اندکی بود روشن،
 آن نقاط سپید چون سیماب، کم درخشند، پیش دیده هن ...
 * * *

چون شود صبح و آفتاب دمد، نقطه‌ها، پاك میشود نابود!